



# «خودآموزی حداکثری در بستر محرک» تأملی بر یکی از الگوهای جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران تئاتر در شهر تهران

امین صبوری<sup>۱</sup>، غلامرضا صدیق اورعی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

صفحه ۴۳ تا ۵۲

Doi: 10.22034/THEATER.2023.411424.1003

## چکیده

جامعه‌پذیری در گروه‌های حرفه‌ای یکی از انواع جامعه‌پذیری است که به فرایند یادگیری نقش‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و مهارت‌های مربوط به حرفه، شغل یا گروه اجتماعی اشاره دارد. هدف این مطالعه، کشف فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران دارای تحصیلات دانشگاهی تئاتر در شهر تهران، به مثابه یک گروه حرفه‌ای است؛ کشف و شناسایی فرایندهایی که طی آن، فرد مبتدی، به عضو حرفه‌ای از گروه بازیگران تئاتر تبدیل می‌شود. تحقق این هدف از طریق فهم و شناسایی داستان بازیگر شدن مصاحبه‌شوندگان، تحت هدایت روش گراندتئوری دنبال شده است. گراندتئوری روشی است که در فقدان یک نظریه مدون، از طریق گردآوری، تحلیل و دسته‌بندی نظام‌مند داده‌ها، الگویی از یک فرایند اجتماعی ارائه می‌دهد. این الگو در اینجا، مشابهت‌های مسیری است که هر یک از بازیگران تئاتر برای نیل از وضعیت مبتدی به وضعیت حرفه‌ای پیموده‌اند. پس از جمع‌آوری اطلاعات با تکنیک مصاحبه روایی و تجزیه و تحلیل آن‌ها، از مجموعه مقولات بستری/شرایطی، «بستر محرک» به عنوان مقوله هسته انتزاع و از میان مقولات فرایندی/تعاملی، مقوله «خودآموزی حداکثری» به عنوان مقوله هسته انتخاب شد. از ترکیب این دو مقوله، مقوله مرکزی نهایی به دست آمد: «خودآموزی حداکثری در بستر محرک». این بستر محرک گاهی زمینه‌آلودگی موافق است، گاهی بستر مورفولوژیکی است که دانشگاه فراهم آورده است، و گاهی نیز به فضای مایوس‌کننده برخی کلاس‌های دانشگاه اشاره دارد که به مثابه عامل برانگیزنده در جهت رشد عمل می‌کند. خودآموزی مستمر و حداکثری نیز همان نکته اصلی موجود در داده‌هاست که در این فرایند بیشترین اهمیت و تأثیر را از منظر پاسخگویان داشته است؛ یک موتور فعال درونی که موجب شده است فرد پیوسته در پی یادگیری و کسب مهارت‌های بازیگری از طریق منابع گوناگون آموزشی باشد.

**واژگان کلیدی:** بازیگر شدن، جامعه‌پذیری حرفه‌ای، بازیگری حرفه‌ای، بازیگران دانشگاهی، خودآموزی، گراندتئوری.

## درآمد

امروزه یکی از اولویت‌ها و ضرورت‌های هر نظام آموزشی ارتقای کیفی فرایندهای یاددهی و یادگیری است (دستور، ۱۳۹۷: ۱۹). امری که به نوبه خود مستلزم کشف و شناسایی الگوهای آموزشی رسمی و غیر رسمی در این حوزه است تا بتواند تصویر روشنی از وضعیت موجود و مسیر دستیابی به نتایج و وضعیت مطلوب ارائه دهد. اگرچه رویکرد عالمانه و پژوهش‌مدارانه در همه حوزه‌های آموزشی بسط و گسترش یافته است، اما باین‌وجود، بررسی فرایندهای مذکور در حیطه هنر، کمتر از زاویه‌های پژوهشی مورد توجه قرار گرفته است (کیلاشکی، ۱۳۸۹: ۶۱).

فرایندهای یاددهی و یادگیری در جامعه‌شناسی تحت عنوان جامعه‌پذیری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. همه انسان‌ها ناگزیر در معرض فرایند جامعه‌پذیری قرار می‌گیرند (Mooney, 2007: 75-80). جامعه‌پذیری فرایندی است که در آن افراد هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دانش، عادات اجتماعی، مهارت‌ها، و آداب‌ورسوم را می‌آموزند تا بتوانند راحت‌تر در جامعه حضور داشته باشند و فعالیت کنند (Höppner, 2017: 1). فرایندی که از یک طرف در طی آن فرد می‌آموزد که چگونه نیازهای خود را برطرف نماید (کوئن، ۱۳۸۵: ۷۹) و از طرف دیگر جامعه با مهیا ساختن اعضای جدید برای مشارکت در سازمان اجتماعی، به حیات خود ادامه می‌دهد (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۵۵). چراکه جامعه‌پذیری برای بقا و تثبیت خود جامعه نیز ضروری است؛ افراد یک جامعه باید جامعه‌پذیر شده باشند تا بتوانند از ساختار اجتماعی آن جامعه حمایت کنند و در حفظ و نگهداری آن بکوشند (Kendall, 2012: 106). جامعه‌پذیری حرفه‌ای نیز یکی از انواع جامعه‌پذیری است که به فرایند یادگیری نقش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های مربوط به حرفه یا گروه اجتماعی اشاره دارد (Wolf, 2007: 5).

مسئله پژوهش حاضر، کشف فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران دانشگاهی تئاتر در شهر تهران، به مثابه یک گروه حرفه‌ای است؛ کشف و شناسایی فرایندهایی که طی آن، فرد مبتدی به عضو حرفه‌ای گروه بازیگران تئاتر بدل می‌گردد.

منظور از «بازیگران دانشگاهی» آن دسته از بازیگرانی‌اند که دارای تحصیلات دانشگاهی رسمی (در دانشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم) در زمینه بازیگری هستند. کسانی که پس از به پایان رساندن دوره متوسطه و اخذ دیپلم، وارد دانشگاه شده و در رشته نمایش ادامه تحصیل داده‌اند.

به‌طورکلی، در زبان روزمره، «حرفه‌ای» متضاد «آماتور»

قلمداد می‌شود (اسونسن، ۱۳۹۸: ۱۳۹)، اما به‌طور مشخص، منظور از «بازیگر حرفه‌ای» تئاتر در پندار مطلعین این حوزه عبارت است از: شخصی که حداقل بخشی از درآمد زندگی خود را از طریق فعالیت نسبتاً مستمر در تئاتر به دست می‌آورد و نیز به عنوان بازیگر نسبتاً توانمند از سوی اهالی تئاتر مورد پذیرش و تأیید قرار گرفته است (صبوری، ۱۳۹۹: ۱۸۰).

اگرچه نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت توجه ویژه‌ای به مقوله جامعه‌پذیری نشان داده‌اند، اما آنچه مغفول مانده، تلاش برای دستیابی به یک فهم منطبق بر واقع از شیوه‌ها و فرایندهای آن در مراحل مختلف جامعه‌پذیری و در گروه‌های مختلف حرفه‌ای و اجتماعی است. گروه حرفه‌ای بازیگران تئاتر نیز از این قاعده مستثنا نیست. از همین رو این پژوهش با شناسایی فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای این گروه، به نوبه خود در پی پر کردن خلأ فوق است. پژوهش حاضر از حیث موضوع، برای هنرمندان تئاتر و متولیان آموزش تئاتر و از حیث روش برای اجتماع علمی جامعه‌شناسی دارای اهمیت است. از یک‌سو، شناسایی و معرفی فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای بازیگران تئاتر، مسیری را که بازیگران حرفه‌ای از آغاز تا موفقیت پیموده‌اند پیش روی علاقه‌مندان، هنرجویان، و مدرسان بازیگری و تئاتر قرار می‌دهد؛ یعنی یک نقشه راه کاربردی برای همه کسانی که به‌نوعی پیوندی با بازیگری تئاتر دارند. از سوی دیگر، این تحقیق می‌تواند الگویی برای مطالعه و کشف فرایندهای جامعه‌پذیری سایر گروه‌های حرفه‌ای باشد. در هر دو حوزه فوق با فقدان دانش علمی و کاربردی مواجه‌ایم.

چارچوب مفهومی  
جامعه‌پذیری

پذیرفتن تعریفی نهایی و قطعی از جامعه‌پذیری، با توجه به پیچیدگی‌های این فرایند، امری دشوار به نظر می‌رسد. با این وجود در تعاریف متعددی که از این مفهوم ارائه شده است عناصر مشترکی را می‌توان یافت. مطالعات و پژوهش‌های فراوانی جامعه‌پذیری را نوعی فرایند یادگیری معرفی کرده‌اند (Howkins & Ewens, 1999; Weidman, et al, 2001; Bozich Keith & Schmeiser, 2003; Shinyashiki, et al, 2006; Wolf, 2007; Messersmith, 2008). تاجایی که برخی آن را معادل «یادگیری اجتماعی» می‌دانند. به‌بیان دیگر جامعه‌پذیری پیامد خواسته یا ناخواسته فرایند یادگیری و تجارب حاصله از محیط است (Shinyashiki, et al, 2006; Nesler et al, 2001; Brinkerhoff et al, 2013).

به طوری که اولاً از منبع خود مستقل می‌شوند و در مقابل تغییر به‌سختی مقاومت می‌کنند، و ثانیاً پاداشی درونی دارد (ارونسون، ۱۳۸۶: ۶۲).

### مراحل جامعه‌پذیری

برگر و لاکمن جامعه‌پذیری را به دو نوع اولیه و ثانویه تقسیم می‌کنند که اولی در دوران کودکی و دومی در جریان اجتماعی شدن در یک جامعه بزرگ‌تر رخ می‌دهد (هاوکینز و ایونز، ۱۹۹۹). هنگامی که یک نوزاد در یک جامعه متولد می‌شود و رفته‌رفته باورها و ارزش‌های آن جامعه را می‌آموزد و ذهنیت مشترک با آن جامعه پیدا می‌کند، از جامعه‌پذیری اولیه سخن می‌گوییم. این نوع جامعه‌پذیری گسترده و وسیعی دارد، به این معنی که از بدو تولد تا مرگ در حال تکمیل شدن است (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۵). جامعه‌پذیری ثانویه از جنس جامعه‌پذیری اولیه نیست اما در امتداد آن صورت می‌گیرد. مرحله دوم جامعه‌پذیری مربوط به زمان ورود کودک در نظام آموزشی رسمی است (مور، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۰). در این مرحله شخص برای این که عضوی از یک گروه یا جامعه باشد، به دنبال کسب تخصص و آموزش شغل و تحصیل می‌رود. (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۶).

### جامعه‌پذیری حرفه‌ای

جامعه‌پذیری در حرفه بخش قابل توجهی از جامعه‌پذیری ثانویه را شکل می‌دهد (Page, 2004). آن‌طور که برگر و لاکمن نیز اشاره می‌کنند، جامعه‌پذیری حرفه‌ای یکی از اساسی‌ترین صورت‌های جامعه‌پذیری ثانویه است (کوش، ۱۳۸۱: ۸۳). جامعه‌پذیری حرفه‌ای را می‌توان فرایندی دانست که طی آن افراد نقش‌ها، ارزش‌ها، باورها، هنجارها، مهارت‌ها، دانش و علایق اختصاصی مربوط به حرفه یا گروه اجتماعی جدید را کسب می‌کنند و برای اجرای نقش‌های تخصصی خود مهیا می‌شوند (Wolf, 2007; Price, 2009; Mariet, 2016). در این مرحله، ارزش‌ها و استانداردهای فرد شکل ملموس‌تری به خود می‌گیرند و با ورود به محیط کاری و حرفه‌ای دستخوش تحول می‌شوند تا منعکس‌کننده ارزش‌های آن حرفه باشند (دین‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴). در واقع محتوای این فرایند بر این اصل بنا شده است که بر اساس تقاضای اجتماع حرفه‌ای، اعضایش بتوانند و بخواهند به‌طور مؤثری در فعالیت‌های حرفه‌ای مشارکت داشته باشند (Saigushev et al, 2020). واگمن و همکاران به نقل از کوهن، این فرایند را یادگیری زبان و فن‌آوری حرفه، درونی کردن هنجارها و ارزش‌های حرفه و تلفیق نقش حرفه‌ای در هویت فردی و

در این فرایند یادگیری، به افراد منتقل می‌شود، هنجارها، ارزش‌ها، باورها، دانش، زبان، توانایی‌های عاطفی، آداب و رسوم، عادات و مهارت‌هایی است که همگی برای زندگی اجتماعی ضروری هستند (Berns, 2102; Smetana et al, 2105). از نقطه نظر جامعه‌شناختی، اکتساب توانایی‌های مذکور، از طریق کنش متقابل با دیگران امکان‌پذیر است (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۵۸؛ رابرتسون، ۱۳۷۲). به بیان دیگر روابط بین فردی نقش کلیدی در جامعه‌پذیری ایفا می‌کنند. علاوه بر این عناصر مشترک در تعاریف جامعه‌پذیری، سایر ویژگی‌های آن را نیز نباید از نظر دور داشت. جامعه‌پذیری حالت کاملاً نسبی دارد، زیرا تابعی از شرایط فرهنگی است (محسنی، ۱۳۸۴)، (Serpa, 2018). همچنین فرایند جامعه‌پذیری، فرایندی پیچیده و متنوع، غیر قابل پیش‌بینی و نامعلوم، غیر ارادی، غیر قابل اجتناب، دائمی و مداوم است (دین‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵). جامعه‌پذیری، فرایندی خطی نیست، بلکه ماهیت یکپارچه، سیال، پویا، تعاملی، تکاملی و انعطاف‌پذیر دارد (Weidman, et al, 2001). از طرفی این فرایند شخصی است و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. بعضی، دوره جامعه‌پذیری را سریع و برخی به‌کندی و با تحمل مشکلات و نامایمات سپری می‌کنند (Wolf, 2007; Messersmith, 2008). به‌طور کلی می‌توان گفت جامعه‌پذیری بر پایه تولید و بازتولید مداوم استوار است (Ferreira & Serpa, 2019).

با توجه به مباحث فوق، تعریف پیشنهادی محقق از مفهوم جامعه‌پذیری به این شرح است: «جامعه‌پذیری، فرایندی است تکاملی، انعطاف‌پذیر، غیر خطی و در عین حال شخصی، که طی آن فرد از طریق کنش متقابل با دیگران الگوهای فکر و عمل و احساس (ارزش‌ها، باورها، هنجارها، دانش، زبان، توانایی‌های عاطفی و مهارت‌ها) را فرا می‌گیرد و آمادگی‌های لازم جهت مشارکت در سازمان اجتماعی را کسب می‌کند.»

### مکانیسم‌های جامعه‌پذیری

جامعه برای انتقال محتوای مورد نظر خود به افراد، از دو مکانیسم اساسی «یادگیری» و «درونی کردن» استفاده می‌کند که به‌طور متوالی صورت می‌پذیرند (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۸). گاهی این انتقال به‌طور سطحی بوده و صرفاً در مرحله یادگیری توقف می‌کند که عبارت است از اخذ بازتاب‌ها، عادات، طرز رفتار و... که در ارگانیزم انسانی و روان شخص جای می‌گیرد و رفتار او را راهنمایی می‌کند (روشه، ۱۳۹۳: ۱۴۵). گاهی نیز افراد را با درونی کردن برای مشارکت فعال و مفید در جامعه آماده می‌سازد. توسط مکانیسم اخیر، ارزش‌ها و هنجارها تثبیت می‌شوند



دیگر نقش‌های زندگی توصیف می‌نمایند (Waugaman & Lohrer, 2000). در منابع متعددی نیز این مفهوم به مثابه فرایند درونی کردن و تکامل هویت حرفه‌ای تعریف شده است (Tradewell, 1996; Teschendorf & Nemshick, 2001; Shinyashiki, et al, 2006; Young, et al, 2008; Moradi, et al, 2017; Arnold & Boggs, 2019).

در نهایت باید در نظر داشت که جامعه‌پذیری حرفه‌ای پیامد خواسته و ناخواسته عملکرد برنامه‌های آموزشی و فرایندهای محیط کار است که هم به صورت هدفمند و هم غیر هدفمند به شمار می‌آید (Shinyashiki, et al, 2006; Mooney, 2007). فرد در مواجهه با اعضای درون حرفه، تجاربی کسب می‌کند که برای پذیرش وی در حرفه الزامی است (Waugaman & Lohrer, 2000).

### روش تحقیق

ویژگی‌های موضوع و هدف تحقیق، تعیین‌کننده بیشترین تناسب میان روش تحقیق و پژوهش مورد نظر است. همین نکته ملاک انتخاب روش رویش نظریه<sup>۲</sup> در پژوهش حاضر است.

### روش رویش نظریه

رویش نظریه یا گراندتئوری، به عنوان روش عملیاتی در این مطالعه، عبارت است از «یک روش پژوهش استقرائی و اکتشافی که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند» (منصوریان، ۱۳۸۵: ۲). رویش نظریه در طول تحقیق اتفاق می‌افتد و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود (منصوریان، ۱۳۸۵: ۴). در این روش، برخلاف سایر روش‌ها - که در آن‌ها محقق ابتدا فرضیه‌ای را مطرح می‌کند و بعد از مراجعه به واقعیت آن را آزمون می‌نماید - فرضیه‌ای وجود ندارد.

### شیوه نمونه‌گیری

در این تحقیق ابتدا از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و سپس از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز (John-son, 1990). و چگونگی ربط دادن آن‌ها به همدیگر و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۵: ۵۴). بر همین اساس در پژوهش حاضر محقق ابتدا با افرادی تماس برقرار کرد که در زمینه موضوع تحت بررسی دارای اطلاعات

و شناخت کافی و به قول نیومن (Neuman, 2000: 198). از مطلعین و دروازه‌بان بودند.<sup>۳</sup> در اینجا بر اساس تعریف بازیگر حرفه‌ای تئاتر و مؤلفه غیر تیبیک و غیر همسان بودن نمونه‌ها، بازیگران مورد مصاحبه انتخاب شدند. سپس اولین بازیگر معین شد و داده‌های مربوط به او جمع‌آوری گردید. پس از آن با دقت در داده‌های فراهم آمده از مورد اول و تحلیل مقدماتی آن‌ها، مورد دوم آن‌طور تعیین شد که تا حد ممکن با مورد اول در موضوع بررسی تفاوت داشته باشد تا به شمول داده‌ها کمک کند. همین شیوه در بررسی داده‌های مربوط به مورد دوم و همین ملاک برای تعیین مورد سوم نیز رعایت شد. این فرایند به همین شیوه و با همین ملاک ادامه یافت تا آنجا که به «کفایت نظری و اشباع» رسیدیم، یعنی بررسی چند مورد آخر، هیچ داده‌ای متفاوت از داده‌های قبل به دست نمی‌داد.

### تکنیک گردآوری داده‌ها

مصاحبه روایی: استفاده از روایت‌ها به عنوان داده‌هایی برای تحلیل اجتماعی، بر این استدلال روش‌شناختی استوار است که «در الگوی پرسش و پاسخ نمی‌توان به کنه تجربیات و جهان زیسته مصاحبه‌شوندگان دست پیدا کرد» (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۹۲). در این تحقیق بر اساس آنچه در تکنیک مصاحبه روایی آمده است از مصاحبه‌شونده خواسته شد که سرگذشت بازیگر شدن خود را تعریف کند. مصاحبه روایی عموماً با یک وضعیت اولیه شروع می‌شود. برای این کار از «سؤال مولد روایت<sup>۴</sup>» استفاده می‌شود (فلیک، ۱۳۹۱). سؤال آغازین در مصاحبه‌های این تحقیق این بود که: «نخستین نشانه‌های علاقه و گرایش در بازیگری در شما چه بود؟ کی و چگونه آغاز شد؟». سپس از میان انبوه تجربه‌ها و ماجراهای موجود، آن دسته از روایت‌هایی که به شکلی منسجم به موضوع بحث مربوط می‌شدند انتخاب شد و توالی آن‌ها سامان یافت.

### تحلیل داده‌ها

در روش رویش نظریه، فرایند تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری و مقوله‌بندی متن داده‌ها صورت می‌گیرد. «کدگذاری باز» یک بخش از تجزیه و تحلیل است که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها است (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷). سپس «کدگذاری محوری» که فرایند ایجاد ارتباط بین کدها (دسته‌بندی‌ها و مشخصات) با یکدیگر است انجام می‌پذیرد (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۱۰). و نهایتاً در «کدگذاری

و پس از آن کار تحلیل را آغاز کردیم. سپس مصاحبه دوم را انجام دادیم و باز پیاده و تحلیل کردیم. هر مصاحبه جدید تنها زمانی انجام می‌گرفت که مصاحبه قبلی تحلیل شده باشد. به همین ترتیب پیش رفتیم تا در نهایت وقتی احساس کردیم درباره همه موضوعات مورد بررسی در این تحقیق اطلاعات لازم را در اختیار داریم و به هنگام گفت‌وگو و بحث احساس «وضوح کامل» می‌کنیم، به این برداشت رسیدیم که مصاحبه‌های بعدی نکته تازه‌ای به ما نمی‌آموزند و اصطلاحاً جمع‌آوری اطلاعات به «حد اشباع» رسیده است. رسیدن به این وضعیت پس از انجام ۱۲ مصاحبه صورت گرفت اما برای اطمینان بیشتر روند گردآوری داده را تا ۱۶ مصاحبه ادامه دادیم. از این میان ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان زن و ۱۲ نفر مرد بودند. در نهایت متن مصاحبه‌ها با بازیگران دانشگاهی تئاتر جهت استخراج «مسیر طی شده»، مطالعه و کدگذاری شد.

### یافته‌های تحقیق

در این بخش یافته‌های عمده پژوهش بر اساس منطق چگونگی رویش نظریه ارائه شده‌اند. پس از انجام کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه و هم‌جنس از نظر معنایی در قالب مقولات عمده طبقه‌بندی شدند. این مقولات از سطح بالاتری از انتزاع برخوردارند و دومین مرحله در جهت رویش نظریه هستند. در «جدول ۱» این مقولات عمده و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آنها (که همان کدگذاری‌های باز هستند) آورده شده است.

مقولات محوری در «جدول ۱»، مجموعه «گام»ها و مراحل را نشان می‌دهد که بازیگران دانشگاهی از آغاز تا پایان مسیر حرفه‌ای شدن طی کرده‌اند. همان‌طور که قبلاً نیز بحث شد، فرایند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرایند تحلیل، کدگذاری گزینشی مطرح می‌شود. باید دانست که این‌ها روش‌هایی مختلف برای کار با داده‌های متنی هستند که محقق در صورت نیاز آنها را جابه‌جا یا با یکدیگر تلفیق می‌کند (استراوس و کربین، ۱۳۹۱). از آنجاکه کدگذاری گزینشی آخرین مرحله در کدگذاری است و از طرفی هنوز دسته‌ای از مقولات (مقولات فرایندی) آمادگی ورود به این مرحله را ندارند، لذا در این بخش سعی می‌کنیم کدگذاری محوری را برای مقولات فرایندی در سطح بالاتری از انتزاع ادامه دهیم و سپس وارد مرحله کدگذاری گزینشی شویم.

حال که مقولات محوری آمادگی ورود به گام نهایی تحلیل

گزینشی»، از میان همه عناوین کلی‌تر - که در مرحله کدگذاری محوری به دست آمد - یکی به عنوان مقوله مرکزی شناخته و برگزیده می‌شود و رابطه سایر واقعیت‌ها با آن نیز مورد تأمل و شناسایی قرار می‌گیرد. در این پژوهش نیز بر اساس همین دستورالعمل، ابتدا هر داده جدید در ارتباط با داستان بازیگر شدن مصاحبه‌شوندگان، در قالب یک نکته کدگذاری شد. سپس از میان کدگذاری‌های اولیه، مفاهیم مشابه و هم‌جنس از نظر معنایی در قالب کدهای محوری طبقه‌بندی شد. و در نهایت از میان مقولات محوری یک مفهوم به عنوان کد گزینشی استخراج / انتزاع گردید. در اینجا باید توجه داشت که برقراری همه این ارتباطات میان مقولات مختلف با یکدیگر و عناوین متمایز و نتیجه‌گیری‌های بعدی می‌تواند با استفاده از دانش قبلی صورت بگیرد یا می‌تواند نتیجه «حساسیت تئوریک» (علی احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰۹) شخصی محقق باشد. و حساسیت تئوریک هم توانایی محقق در غوطه‌ور شدن در داده‌ها و معنا دادن به آنهاست (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴).

### کاربست روش در عمل

بعد از مطالعات نظری و جست‌وجو در پیشینه‌ها و تعیین روش و مشخص شدن فضای تحقیق و پس از انجام چند مطالعه اکتشافی، وارد میدان اصلی تحقیق شدیم. جامعه آماری تحقیق، بازیگران حرفه‌ای دارای تحصیلات دانشگاهی تئاتر است که دانشجویان و دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ در دانشگاه‌های تهران بوده‌اند. سکونت و اشتغال به تئاتر این بازیگران در شهر تهران بوده است و همان‌طور که پیش‌ازین نیز توضیح داده شد، گزینش از میان‌شان برای مصاحبه، به کمک نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. سؤال اصلی و کلی ما در مصاحبه‌ها منبعث از همان سؤال اصلی تحقیق بود. بدین ترتیب که از مصاحبه‌شوندگان می‌خواستیم که بگویند از بدو ورود به فضای تئاتر، به صورت گام‌به‌گام چه مراحل را طی کرده‌اند تا تبدیل به یک بازیگر تئاتر شده‌اند؟ پس از این پرسش کلی، «سؤال مولد روایت» مطرح می‌شد: «نخستین نشانه‌های علاقه و گرایش در بازیگری در شما چه بود؟ کی و چگونه آغاز شد؟» با آغاز پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، سعی بر این بود که با کاوش در پاسخ‌ها، در خصوص هر مقطع و مرحله و چگونگی عبور از یک نقطه به نقطه دیگر، به اندازه کافی اطلاعات به دست آوریم. در این جهت سعی شد که پاسخگویان هر آنچه در فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای‌شان رخ داده، مورد توجه قرار دهند و اظهار کنند. جریان مصاحبه ضبط و سپس پیاده می‌شد. مصاحبه اول را چند بار مطالعه

جدول ۱. مقولات عمده فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای بازیگران دانشگاهی.

ردیف	مدل پارادایمی	مقولات عمده	مؤلفه‌ها
۱	ساختار/بستر/شرایط	زمینه خانوادگی	مأنوس بودن با سینما و فیلم از کودکی به واسطه علاقه پدر - فیلم دیدن از کودکی با دستگاه ویدئو به همراه خانواده - بزرگ شدن در خانواده فرهنگی و اهل هنر - تماشای تئاتر از کودکی به همراه خانواده - بزرگ شدن در خانواده‌ای با گرایش به هنر تعزیه‌خوانی و نقالی
۲	ساختار/بستر/شرایط	علاقه و گرایش به بازیگری در کودکی	گرایش به هنر در کودکی - شکل‌گیری علاقه به تئاتر پس از تماشای یک نمایش - شکل‌گیری علاقه به بازیگری و سینما به واسطه فیلم دیدن
۳	فرایند/عمل/تعامل	تجلیات گرایش به بازیگری	ادای بازیگران را درآوردن در کودکی - حفظ کردن نام فیلم‌ها و بازیگران در کودکی - آواز خواندن و نقش گرفتن در تعزیه در کودکی
۴	فرایند/عمل/تعامل	اجرای تئاتر در مدرسه	اجرای تئاتر در دوره دبستان - آموزش بازیگری و اجرای تئاتر در دوره دبستان - شرکت در جشنواره فجر در دوره دبستان - اجرای تئاتر در مراسم‌های مدرسه
۵	فرایند/عمل/تعامل	عدم تمایل به رشته تحصیلی دبیرستان	تحصیل در رشته تجربی و عدم تمایل به آن - علاقه به تحصیل در رشته نقاشی، تحصیل در رشته تجربی برخلاف میل - ترک تحصیل در دوره دبیرستان
۶	فرایند/عمل/تعامل	فیلم دیدن و مطالعه کردن به جهت پیگیری علاقه به بازیگری (دوره دبیرستان)	تداوم علاقه به بازیگری با خواندن کتاب و دیدن فیلم - خواندن نمایشنامه - پیگیری علاقه هنری با رمان خواندن، فیلم و موسیقی
۷	فرایند/عمل/تعامل	تصمیم‌گیری برای تئاتری شدن در آستانه دیپلم	تصمیم برای بازیگر شدن - تصمیم برای ادامه تحصیل در رشته تئاتر - مکانیزم تصمیم‌گیری برای انتخاب رشته تئاتر
۸	فرایند/عمل/تعامل	ورود به دانشگاه	شرکت در کنکور هنر - شرکت در رشته نمایش دانشگاه آزاد - شرکت در مصاحبه رشته تئاتر - ورود به دانشگاه
۹	ساختار/بستر/شرایط	کافی و مطلوب نبودن آموزش‌ها و فضای دانشگاه	ناکارآمدی یافتن کلاس‌های دانشگاه - مأیوس شدن از فضای دانشگاه - امید نیستن به دانشگاه - معطلی بودن اکثر کلاس‌های دانشگاه - یادگیری اندک از کلاس‌های استادان دانشگاه
۱۰	فرایند/عمل/تعامل	امتناع از فضای آموزشی غیر مفید	وقت نگذاشتن برای کلاس‌های غیر مفید - تعطیل کردن بعضی کلاس‌ها به دلیل نابلدی استاد
۱۱	ساختار/بستر/شرایط	دانشگاه به مثابه بستر مورفولوژیک	فرصت معاشرت با سال بالایی‌ها - دور هم جمع شدن آدم‌های مستعد و علاقه‌مند - در اختیار بودن محل تمرین - پلاتوهای تمرین مهم‌ترین بسترهای یادگیری
۱۲	فرایند/عمل/تعامل	ارتباط با سال بالایی‌ها	ارتباط با سال بالایی‌ها تاج‌دهنده از وضع موجود - ارتباط با سال بالایی‌ها به مثابه مکانیزم یادگیری
۱۳	فرایند/عمل/تعامل	عضو شدن در گروه (یا تشکیل گروه)	حضور در گروه و کارکرد آن - حضور در گروه به مثابه آموزش - تشکیل گروه دادن
۱۴	فرایند/عمل/تعامل	بهره‌گیری از استادان کاربرد	بهره‌گیری از استادان کاربرد خارج از دانشگاه - بهره‌گیری از کلاس‌های استادان کاربرد
۱۵	فرایند/عمل/تعامل	تمرینات مداوم و فراوان (و آزمون و خطا)	کار و تمرین بسیار شدید - تمرین و آزمون و خطا - اهمیت تلاش و تمرین برای بازیگر شدن - تمرین و آلود زدن‌های بی‌شمار - تمرین انفرادی و کارکرد آن
۱۶	فرایند/عمل/تعامل	تجربه متعدد اجرای نمایش‌های کوچک و کلاسی	تمرین و اجرای نمایشنامه‌های خوب در پلاتو - بازی کردن در پایان‌نامه‌های دانشجویی - بازی کردن در کارهای کلاسی
۱۷	فرایند/عمل/تعامل	مطالعه کتاب‌های تخصصی و پایان‌نامه‌ها	شدیداً کتاب خواندن - خواندن کتاب و پایان‌نامه - اهل مطالعه بودن - مطالعه کتاب‌های مهم تئاتر
۱۸	فرایند/عمل/تعامل	تماشای نمایش‌های مختلف به مثابه آموزش	تماشای تئاتر به مثابه آموزش - تماشای نمایش‌های مختلف - تماشای نمایش و دیدن خوب و بد - دیدن فیلم تئاترهای خارجی - الگو قرار دادن یک بازیگر برجسته روی صحنه - یادگیری چه کارهایی نکردن
۱۹	فرایند/عمل/تعامل	فیلم دیدن مستمر	فیلم دیدن - تماشای فیلم به مثابه آموزش - فیلم دیدن به مثابه یک برنامه همیشگی
۲۰	فرایند/عمل/تعامل	اجراهای دانشجویی	اجرای عمومی در دانشگاه - شرکت در جشنواره دانشجویی - اولین اجرای حرفه‌ای در دوران دانشجویی
۲۱	ساختار/بستر/شرایط	دیده شدن	برگزیده شدن در جشنواره دانشجویی
۲۲	ساختار/بستر/شرایط	دعوت به یک گروه حرفه‌ای	دعوت به گروه دکتر رفیعی - دعوت به گروه محمد یعقوبی - دعوت گروه علی‌اکبر علیزاد - دعوت به گروه آقای بیضایی
۲۳	فرایند/عمل/تعامل	ورود به یک گروه حرفه‌ای تئاتر	ورود به گروه دکتر علی رفیعی - ورود به گروه محمد یعقوبی - ورود به گروه علی‌اکبر علیزاد - همکاری با گروه بهرام بیضایی
۲۴	فرایند/عمل/تعامل	اجرای عمومی و تداوم آن	اجرای عمومی نمایش رومئو و ژولیت - اجرای عمومی نمایش یک نوکر و دو ارباب - اجرای عمومی نمایش در انتظار گودو - اجرای عمومی نمایش با گروه آقای بیضایی - تداوم اجراهای حرفه‌ای
۲۵	پیامد/اثر	بازیگر حرفه‌ای شدن	بازیگر حرفه‌ای شدن به واسطه دستمزد حرفه‌ای گرفتن - بازیگر حرفه‌ای شدن به واسطه تداوم کارهای حرفه‌ای - بازیگر حرفه‌ای شدن به واسطه شناخته و تحسین شدن در بین حرفه‌ای‌ها

جدول ۲. کدگذاری محوری مرتبه دوم برای مقولات فرایندی.

کدگذاری محوری مرتبه دوم		مقولات محوری فرایندی
کنش‌های غیر متمرکز		تجلیات گرایش به بازیگری در کودکی
		اجرای تئاتر در مدرسه
		فیلم دیدن و مطالعه کردن به جهت پیگیری علاقه به بازیگری در دوره دبیرستان
دوره گذار		عدم تمایل به رشته تحصیلی دبیرستان
		تصمیم‌گیری برای تئاتری شدن در آستانه دیپلم
		شرکت در کنکور هنر و ورود به دانشگاه
جست‌وجو و انتخاب مسیر درست	واکنش سلبی به نارسایی برخی دروس دانشگاه	امتناع از بخش غیر مفید آموزش دانشگاهی
	واکنش ایجابی به نارسایی برخی دروس دانشگاه	ارتباط با سال بالایی‌ها
		عضو شدن در گروه (یا تشکیل گروه)
		بهره‌گیری از استادان کاربلد
خودآموزی مستمر و حداکثری		تمرینات مداوم و فراوان (و آزمون و خطا)
		تجربه متعدد اجرای نمایش‌های کوچک و کلاسی
		مطالعه کتاب‌های تخصصی و پایان‌نامه‌ها
		تماشای نمایش‌های مختلف به مثابه آموزش
		فیلم دیدن مستمر
تمرین حرفه‌ای شدن		اجراهای دانشجویی
ورود به محیط حرفه‌ای		ورود به یک گروه حرفه‌ای تئاتر
		حضور در اجرای عمومی و تداوم آن

جدول ۳- جدول نهایی مقولات عمده و مرکزی

پیامد نهایی	مقولات فرایندی / تعاملی	مقولات بستری / شرایطی
بازیگر حرفه‌ای تئاتر شدن	کنش‌های غیر متمرکز	زمینه خانوادگی
	دوره گذار	علاقه و گرایش در کودکی
	جست‌وجو و انتخاب مسیر درست	کافی نبودن دانشگاه
	خودآموزی مستمر و حداکثری	دانشگاه به مثابه بستر مورفولوژیک
	تمرین حرفه‌ای شدن	دیده شدن
	ورود به محیط حرفه‌ای	دعوت به یک گروه حرفه‌ای

را یافته‌اند، سعی بر آن است که با کدگذاری گزینشی به مقوله مرکزی دست پیدا کنیم. کدگذاری گزینشی که آخرین مرحله کدگذاری است، کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. هدف از این فرمول‌بندی ارائه تصویری اجمالی از ماجرا است و به همین دلیل باید با عبارت‌های کوتاه و مختصر بیان شود. تحلیل از سطح توصیفی فراتر می‌رود و خط داستانی را تشریح می‌کند. در واقع یک مفهوم به پدیده اصلی داستان نسبت داده می‌شود و به سایر مقوله‌ها مرتبط می‌شود (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۳۷). این موارد در «جدول ۳» آمده است.

موفقیت حرفه‌ای

خودآموزی حداکثری

بستر محرک

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به جدول شماره ۳، با کنار هم قرار دادن مقولات بستری/شرایطی و مقولات فرایندی/تعاملی، و ادامه انتزاع و همچنین با تجربه حاصل در طول مدت مصاحبه‌های ژرف با پاسخگویان، به این نتیجه رسیده‌ایم که مقوله مرکزی نهایی در این بحث به شرح زیر است:

### «خودآموزی حداکثری در بستر محرک»

این مقوله پاسخ نهایی به پرسش اصلی پژوهش یعنی «فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران دانشگاهی تئاتر در شهر تهران» است. برای روشن‌تر شدن بحث، فرایند تحصیل پاسخ را بنا بر توصیه استراوس و کربین (استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ۱۶۹) از طریق نوشتن «خط سیر داستان» مرور می‌کنیم.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در جریان مصاحبه‌های تحقیق از پاسخگویان خواستیم تا هر یک مسیری را که طی کرده تا تبدیل به یک بازیگر حرفه‌ای تئاتر شده‌اند بازگو کنند. به عبارت دیگر، از مصاحبه‌شوندگان خواسته‌ایم «داستان بازیگر شدن» خود را برای ما تعریف کنند. این دسته از بازیگران در اولین گام از مسیر طی شده، از مفاهیم و مواردی سخن می‌گفتند که تحت مقوله «زمینه خانوادگی» دسته‌بندی شد. مواردی همچون مانوس بودن با سینما و فیلم از کودکی به واسطه علاقه پدر، فیلم دیدن از کودکی با دستگاه ویدئو به همراه خانواده، بزرگ شدن در خانواده فرهنگی و اهل هنر، تماشای تئاتر از کودکی به همراه خانواده، بزرگ شدن در خانواده‌ای با گرایش به هنر تعزیه‌خوانی و نقالی و امثالهم. اظهارات آنان در گام دوم که در ارتباط با گام قبلی شکل گرفته، حاکی از «علاقه و گرایش به بازیگری در کودکی» است: شکل‌گیری علاقه به تئاتر پس از تماشای یک نمایش، شکل‌گیری علاقه به بازیگری و سینما به واسطه فیلم دیدن و گرایش به امور هنری در کودکی. پس از آن، ادای بازیگران را در آوردن، حفظ کردن نام فیلم‌ها و بازیگران، آواز خواندن و نقش گرفتن در تعزیه و نظایر آن، «تجلیات گرایش به بازیگری در کودکی» است. در ادامه و پس از ورود به مدرسه، اولین عرصه ظهور علاقه و گرایش به بازیگری خارج از محیط خانواده، با مقوله عمده «اجرای تئاتر در مدرسه» شکل می‌گیرد. اجرای تئاتر در دوره دبستان، شرکت در جشنواره دانش‌آموزی و اجرای تئاتر در مراسم‌های مدرسه بیانگر همین موضوع است.

در دوره دبیرستان شاهد «عدم تمایل به رشته تحصیلی» در بین بازیگران دانشگاهی هستیم. این مقوله یا ناشی از اجبار پدر و مادر به تحصیل در یک رشته خاص و یا به دلیل محدودیت رشته‌های قابل تحصیل در آن دوره از زندگی

پاسخگویان به وجود آمده است. در این مقطع به دلایلی از جمله سنگین شدن دروس دبیرستان، فعالیت مستقیم اکثر پاسخگویان در عرصه بازیگری مشاهده نمی‌شود اما علاقه به بازیگری با خواندن کتاب و دیدن فیلم، خواندن نمایشنامه، خواندن رمان و پیگیری رویدادهای هنری همچنان ادامه دارد که مقوله «فیلم دیدن و مطالعه کردن به جهت پیگیری علاقه به بازیگری در دوره دبیرستان» را تشکیل می‌دهد. در ادامه، پررنگ‌تر شدن علاقه به بازیگری و تئاتر منجر به «تصمیم‌گیری برای تئاتری شدن در آستانه دیپلم» می‌شود و مصاحبه‌شوندگان پس از شرکت در کنکور سراسری هنر و یا رشته نمایش دانشگاه آزاد، «ورود به دانشگاه» را تجربه می‌کنند. توصیف مقطع ورود به دانشگاه با عباراتی چون: مایوس شدن از فضای دانشگاه، ناکارآمد بودن برخی کلاس‌ها، معطلی بودن بعضی کلاس‌های دانشگاه، امید نبستن به دانشگاه و یادگیری اندک از کلاس‌های استادان دانشگاه، نشان‌دهنده «کافی و مطلوب نبودن کلاس‌های دانشگاه» از منظر پاسخگویان است.

واکنش سلبی آنان به این وضعیت، «امتناع از فضای آموزشی غیر مفید» بوده که در شکل‌هایی چون وقت نگذاشتن برای کلاس‌های غیر مفید و تعطیل کردن بعضی از کلاس‌ها به دلیل نابدلی استاد بروز و ظهور یافته است. اما واکنش ایجابی آن‌ها، برقراری «ارتباط با سال بالایی‌ها» و بهره بردن از مزایای آن، «عضو شدن در گروه یا تشکیل گروه» و استفاده از کارکردهای آن و «بهره‌گیری از استادان کاربلد» خارج از دانشگاه بوده است. البته این به معنای ناکارآمدی همه کلاس‌ها و استادان دانشگاه نبوده و در این بین به صورت گزینشی از استادان کاربلد داخل دانشگاه نیز بهره گرفته شده است. آنچه به عنوان نقش دانشگاه در این فرایند می‌توان نام برد، «دانشگاه به مثابه بستر مورفولوژیک» است. دانشگاه با فراهم کردن «جا و جمعیت» یعنی از طریق دور هم جمع کردن آدم‌های مستعد و علاقه‌مند، در اختیار قرار دادن محل تمرین و ایجاد فرصت معاشرت با سال بالایی‌ها، به مثابه بستری برای رشد این دسته از بازیگران عمل کرده است.

از این پس یک مجموعه از فعالیت‌های مستمر مهم‌ترین مکانیزم‌های یادگیری دانش و مهارت‌های بازیگری نزد پاسخگویان است که شامل این مقولات عمده می‌شود: «تمرینات مداوم و فراوان و آزمون و خطا»، «تجربه متعدد اجرای نمایش‌های کوچک و کلاسی»، «مطالعه کتاب‌های تخصصی و پایان‌نامه‌ها»، «تماشای نمایش‌های مختلف به مثابه آموزش»، و «فیلم دیدن مستمر». این موارد از اهمیت



کلاس‌های دانشگاه است که عامل برانگیزنده‌ای می‌شود برای یافتن راه و مسیر درست و فرد را به جست‌وجوگری و تحرک وامی‌دارد. و گاهی نیز بستر مورفولوژیکی است که دانشگاه فراهم آورده است.

از میان مقولات فرایندی/تعاملی نیز پس از آن که در جدول شماره ۲ مجدداً کدگذاری شدند، مقوله «خودآموزی حداکثری» به عنوان مقوله هسته انتخاب شد. لازم به ذکر است که مقوله هسته می‌تواند یکی از مقولات محوری باشد که بیشترین ارتباط را با خط اصلی داستان دارد؛ یا آن که پژوهشگر مقوله‌ها را بررسی کند و به این نتیجه برسد که گرچه هر مقوله چیزی از کل قصه را بازمی‌گوید، ولی هیچ‌یک حق کل مطلب را ادا نمی‌کنند. از این رو، نیاز به اصطلاح یا عبارت انتزاعی‌تر و مفهومی‌است که بتواند تمام مقوله‌ها را در بر بگیرد (استراوس و کریبن، ۱۳۹۱: ۱۶۸). همچنین مقوله مرکزی باید بتواند نکته اصلی موجود در داده‌ها را تبیین کند (استراوس و کریبن، ۱۳۹۱: ۱۶۸). به نظر می‌رسد خودآموزی مستمر و حداکثری همان نکته اصلی موجود در داده‌هاست که همه پاسخگویان تأکید فراوانی روی آن داشتند. در طول مدت مصاحبه‌ها، مؤلفه‌هایی که نهایتاً تحت مقوله خودآموزی مستمر و حداکثری دسته‌بندی شد، بیشترین اهمیت و تأثیر را از منظر پاسخگویان در این فرایند دارا بوده است. یک موتور فعال درونی که پیوسته در پی یادگیری و کسب مهارت‌های بازیگری از طریق منابع گوناگون آموزشی است و از هر فرصت و روزنه‌ای برای ورزیدگی در این عرصه استفاده می‌کند.

بالایی نزد پاسخگویان برخوردار بود به طوری که بخش عمده‌ای از زمان مصاحبه‌ها را به خود اختصاص می‌داد. سپس «اجراهای دانشجویی» که مدل و ماکتی است از فضای حرفه‌ای، فرصت بروز و به‌کارگیری آموخته‌ها را برای بازیگران فراهم می‌کند. این اجراها همچنین فرصت «دیده شدن» در میان اهالی تئاتر را نیز فراهم می‌کند.

در ادامه به نقطه عطفی در مسیر بازیگران آکادمیک می‌رسیم که عبارت است از «دعوت به یک گروه حرفه‌ای تئاتر». آنان پس از یک دوره فعالیت در فضای دانشجویی و نیمه حرفه‌ای «ورود به یک گروه حرفه‌ای» را تجربه می‌کنند و آماده اجرای عمومی در فضای حرفه‌ای تئاتر شهر می‌شوند. اگرچه اجرای عمومی در فضای حرفه‌ای گامی اساسی و شرط لازم برای بازیگر حرفه‌ای تئاتر شدن است اما آنچه به عنوان شرط کافی اهمیت دارد تداوم آن است. بنابراین و بنا بر اظهار پاسخگویان، «اجرای عمومی و تداوم آن» گام نهایی برای «بازیگر حرفه‌ای تئاتر شدن» است. لقبی که به واسطه دستمزد حرفه‌ای گرفتن، یا به واسطه تداوم کارهای حرفه‌ای و یا به واسطه شناخته و تحسین شدن در بین حرفه‌ای‌ها به آنان داده شده است.

با تفکیک مقولات بستری/شرایطی از مقولات فرایندی/تعاملی در «جدول ۳»، به روشنی می‌توان دید که: «در چه بستری، چه فرایندی، چه نتیجه‌ای را حاصل شده است؟» از مجموعه مقولات بستری/شرایطی، «بستر محرک» به عنوان مقوله هسته انتزاع شد. این بستر محرک گاهی زمینه خانوادگی موافق است، گاهی فضای مایوس‌کننده برخی

## پی‌نوشت‌ها

- فرایند به معنای گذار یا رشته‌ای از گذارهای میان یک وضعیت اجتماعی و وضعیت اجتماعی دیگر است. این مفهوم از جنس تغییر، جریان مداوم و حرکت می‌باشد (گولد و کولب، ۱۳۹۲). حرکتی که به طور سازمان یافته در بستر زمان شکل می‌گیرد (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۹۷).
- لازم به ذکر است که محقق خود بازیگر و کارگردان تئاتر است و از این جهت نسبت به میدان تحقیق شناخت قابل قبولی دارد.
- Generative narrative Question

## منابع

- ارونسون، البوت (۱۳۸۶) *روانشناسی اجتماعی*، حسین شکرشکن، چاپ چهارم، تهران، رشد
- استراوس، انسلم، جودیت کریبن (۱۳۹۱) *مبانی پژوهش کیفی/فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ابراهیم افشار، تهران، نی
- اسونسن، لنارت جی (۱۳۹۸) *مشاغل و حرفه‌ای بودن در فرهنگ و هنر*، سعید اسدی و سپهر اسدی، فصلنامه علمی پژوهشی *تئاتر*، ۷۹، ۱۵۱-۱۳۲
- بیرو، آلن (۱۳۷۵) *فرهنگ علوم اجتماعی*، باقر ساروخانی، تهران، کیهان
- ترنر، جانانان اچ (۱۳۷۸) *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، محمد فولادی و محمد بختیاری، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- دستور، مجتبی (۱۳۹۷) *شناسایی نشانگرهای ارتقای کیفیت آموزش هنر در دانشگاه‌ها: مطالعه‌ی موردی رشته‌های هنری-رسانه‌ای دانشگاه صداوسیما*، دوفصلنامه علمی پژوهشی *رسانه و فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ*، ۱۷-۳۹، ۸
- دین محمدی، محمد رضا، فروغ رفیعی، حمید پیروی، و ندا مهرداد (۱۳۸۹)

فلیک، اووه (۱۳۹۱) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، هادی جلیلی، تهران، نشر نی

کوش، دنی (۱۳۸۱) *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*، فریدون وحید، تهران، سروش (انتشارات صدا و سیما)

کوئن، بروس (۱۳۸۵) *درآمدی به جامعه‌شناسی*، محسن ثلاثی، تهران، توتیا

کیالاشکی، علاءالدین (۱۳۸۹) *آموزش هنر در آیین‌های پژوهش، رشد/آموزش هنر*، ۶۴-۶۱

گولد، جولوس، ویلیام ال کولب (۱۳۹۲) *فرهنگ علوم اجتماعی*، باقر پرهام، تهران، مازیار

محسنی، منوچهر (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی عمومی*، تهران، طهوری

محمدپور، احمد (۱۳۸۵) *بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی*، شیراز، دانشگاه شیراز

منصوریان، یزدان (۱۳۸۵) *گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟*، اصفهان، دانشگاه اصفهان

مور، استفن (۱۳۸۹) *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی*، مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس

Arnold, EC, and Boggs, KU. (2019) *Interpersonal Relationships E-Book: Professional Communication Skills for Nurses*. Elsevier Health Sciences

Berns, Roberta M. (2015) *Child, Family, School, Community: Socialization and Support*. California: Cengage Learning.

Bozich Keith, CL, and Schmeiser, DN. (2003) Activities designed to socialize students into nursing. *Nurse educator* 28(2), 55-57

Brinkerhoff, DB, Weitz, LK, and Ortega, ST. (2013) *Essentials of sociology*. Cengage Learning

Ferreira, CM, and Serpa, S. (2019) Socialization: A key concept in social sciences. *International E-Journal of Advances in Social Sciences*, 5(14), 599-605

Höppner, G. (2017) Rethinking socialization research through the lens of new materialism. *Frontiers in Sociology*, 2(13), 1

Howkins, EJ, and Ewens, A. (1999) How students experience professional socialisation. *International journal of nursing studies*, 36(1), 41-49

Johnson, Jeffry. (1990) *Selecting Ethnographic Informants*. London, SAGE Publication, Inc

Kendall, DIANA. (2012) *Sociology in Our Times, Cengage Learning*

Mariet, J. (2016) Professional socialization models in nursing. *International Journal of Nursing Education*. 8(3), 143-148

Messersmith, A. (2008) *Becoming a nurse: The role of communication in professional socialization*. Doctoral dissertation, University of Kansas

Mooney, M. (2007) Professional socialization: the key to survival as a newly qualified nurse. *International journal of nursing practice*, 13(2), 75-80

Moradi, Y, Mollazadeh, F, Jamshidi, H, Tayefeh, T, Zaker, MR, and Karbasi, F. (2017) Outcomes of professional socialization in nursing: A systematic review. *Journal of Pharmaceutical Sciences and Research*, 9(12), 2468-2472

Nesler, MS, Hanner, MB, Melburg, V, and McGowan, S. (2001) Professional socialization of baccalaureate nursing students: can students in distance nursing programs become socialized?. *Journal of nursing education*, 40(7), 293-302

تحلیل مفهوم اجتماعی شدن حرفه‌ای در پرستاری: رویکرد تکاملی راجرز، مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)، ۱۶، ۲۸-۱۵

رابرتسون، یان (۱۳۷۲) *درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، مشهد*، به نشر

روشه، گی (۱۳۹۳) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی (کنش اجتماعی)*، سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران، سمت

صبوری، امین، قربانعلی سبکتکین ریزی (۱۳۹۹) *تجربه‌اندوزی ناهمگون در بستر موافق: فرایند جامعه‌پذیری حرفه‌ای در بین بازیگران غیر آکادمیک تئاتر در شهر تهران*، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات دانشگاه تهران، ۱۲، ۱۹۶-۱۷۹

صدیق اورعی، غلامرضا، احمد فرزانه، مهدیه باقری، و شیوا محمدی (۱۳۹۸) *مبانی جامعه‌شناسی: مفاهیم و گزاره‌های پایه*، مشهد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی احمدی، علیرضا، وحیدسعید نهایی (۱۳۸۷) *منتخبی از کتاب توصیفی جامع از روش‌های تحقیق*، تهران، تولید دانش

فراهانی، حجت‌الله، حمیدرضا عریضی (۱۳۸۴) *روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی (رویکردی کاربردی)*، اصفهان، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان

Neuman, WL, Wiegand, B, and Winterdyk, JA. (2000) *Criminal justice research methods: Qualitative and quantitative approaches*. Boston: Allyn and bacon

Page, G. (2004) Professional socialization of valuation students: what the literature says. Bangkok: in *Proceedings 10th Pacific Rim Real Estate Society Conference*

Price, SL. (2009) Becoming a nurse: a meta-study of early professional socialization and career choice in nursing. *Journal of advanced nursing*. 65(1), 11-19

Saigushev, NY, Vedeneeva, OA, and Melekhova, Y. (2020) Socialization of Students' Personality in the Process of Polytechnic Education. In *International Scientific Conference Far East Con* (Atlantis Press), 1414-1419

Serpa, S. (2018) A reflection on sociology of education. *International Journal of Social Science Studies*, 6(3), 33-39

Shinyashiki, GT, Mendes, IA, Trevizan, MA, and Day, RA. (2006) Professional socialization: students becoming nurses. *Revista latino-americana de enfermagem*, 14(4), 601-607

Smetana, JG, Robinson, J, and Rote, WM. (2015) Socialization in adolescence. *Handbook of socialization: Theory and research* (Guilford Press), 60-84

Teschendorf, B, and Némshick, M. (2001) Faculty roles in professional socialization. *Journal of Physical Therapy Education*, 15(1), 4-10

Tradewell, G. (1996) Rites of passage: Adaptation of nursing graduates to a hospital setting. *Journal of nursing staff development: JNSD* 12(4), 183-190

Waugaman, WR, and Lohrer, DJ. (2000) From nurse to nurse anesthetist: the influence of age and gender on professional socialization and career commitment of advanced practice nurses. *Journal of Professional Nursing*, 16(1), 47-56

Weidman, JC, Twale, DJ, and Stein, EL. (2001) Socialization of graduate and professional students in higher education: A perilous passage?. *ASHE ERIC Higher Education Report* (CA: Jossey Bass), 28(3)

Wolf, L. (2007) *A study of socialization of accelerated BSN graduates*. Doctoral dissertation, Kent State University